

جنس	نقد (درهم)	نام اقلیم یا شهرستان
هزار شمش نقره	۱/۵۰۰/۰۰۰	قومس (سمنان و دامغان)
ششصد قرش مازندرانی (طبری)	۶/۳۰۰/۰۰۰	طبرستان درویان و دماوند
دویست عبا، پانصد جامه، سیصد جام		
سیصد دستمال		
بیست هزار رطل عسل	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	ری
هزار رطل رب انار، دوازده هزار	۱۱/۳۰۰/۰۰۰	همدان
رطل عسل		
	۱۰/۷۰۰/۰۰۰	ماه بصره و ماه کوفه
	۴/۰۰۰/۰۰۰	ماسبذان و رویان
	۶/۷۰۰/۰۰۰	شهر زور
بیست هزار رطل عسل	۲۴/۰۰۰/۰۰۰	موصل و توابع
	۴/۰۰۰/۰۰۰	آذربایجان
هزار برده، دوازده هزار خیک عسل،	۳۴/۰۰۰/۰۰۰	جزیره و توابع آن از شهرستان کرانه فرات
ده بازشکاری، بیست عبا،		
بیست قطعه چوب منبت کاری،	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	ارمنستان
و پانصد وسی رطل پارچه پشم		
و ابریشم و خز		
ده هزار رطل پارچه (یا جامه)	۱/۰۰۰/۰۰۰	برقه
پشمی سورمه‌ای رنگ، ده هزار		
رطل «تپه» یا چادر شب «رخت		
خواب» دویست استر، سی کره اسب.		

نام اقلیم یا شهرستان	نقد (درهم)	جنس
افریقیه	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	صدربست تکه فرش
جمع کل	۴۱۸/۶۰۰/۰۰۰	
قنسرین	۴۰۰/۰۰	هزار بارزیت (روغن)
دمشق	۴۲۰/۰۰۰	
اردن	۹۷/۰۰۰	
فلسطین	۳۱۰/۰۰۰	سیصد هزار رطل زیت
مصر	۲/۹۲۰/۰۰۰	
یمن	۳۷۰/۰۰۰	
حجاز	۳۰۰/۰۰۰	جنس آن ذکر نشده است
جمع کل بدینار و یا درهم	۷۲/۲۵۵/۰۰۰	اگر بحساب آتزمان هر پانزده درهم را یک دینار حساب کنیم مجموع دینارهای این ستون ۷۲۲/۲۵۵/۰۰۰ درهم میشود.
جمع کل مالیات شهرستان های شرقی بدرهم	۴۱۸/۶۰۰/۰۰۰	
جمع کل مالیات ممالک شرقی و غربی بدرهم	۴۹۰/۸۵۵/۰۰۰	

بطوری که ملاحظه شد، مالیات ممالک شرق، بدرهم و مالیات ممالک غرب (باستثنای برقه و افریقیه) بدینار نوشته شده و ظاهراً برای آنست که معدن نقره در شرق زیاد و در مغرب معدن زرافزون بوده است.

در هر حال مجموع مالیات ممالک مشرق (بضمیمه برقه و افریقیه) ۳۱/۶۰۰/۰۰۰ درهم و مجموع مالیات سایر ممالک مغرب ۴/۸۱۷/۰۰۰ دینار بوده که از قرار هر دیناری پانزده درهم (بنرخ آن ایام) ۷۲/۲۵۵/۰۰۰ درهم میشد و مجموع این دو رقم ۳۹۰/۸۵۵/۰۰۰ درهم میشده است.

نکته قابل توجه اینکه در نسخه‌ای که فون کرم صورت منقول از ابن خلدون را درج کرده نام دو شهرستان گیلان (جیلان) و کرج ذکر شده است و مالیات شهرستان اولی را پنج میلیون درهم و دومی را سیصد هزار درهم نگاشته است. ولی در نسخه‌هایی که در دسترس ما قرار گرفته نام این دو شهرستان نیست و شاید فون کرم آنرا از نسخه فون هم نقل کرده باشد و در هر حال تحقیق آن موضوع در اینجا مورد ندارد. بنا بر آنچه گفته شد مالیات یعنی وصولی خزانه مأمون قریب چهار صد میلیون درهم نقد و مقداری هم جنس بوده که بهای تحقیقی آن معلوم نیست. ولی معمولاً بهای اجناس را هم در صورت حسابها تسعیر و تعیین میکرده‌اند.

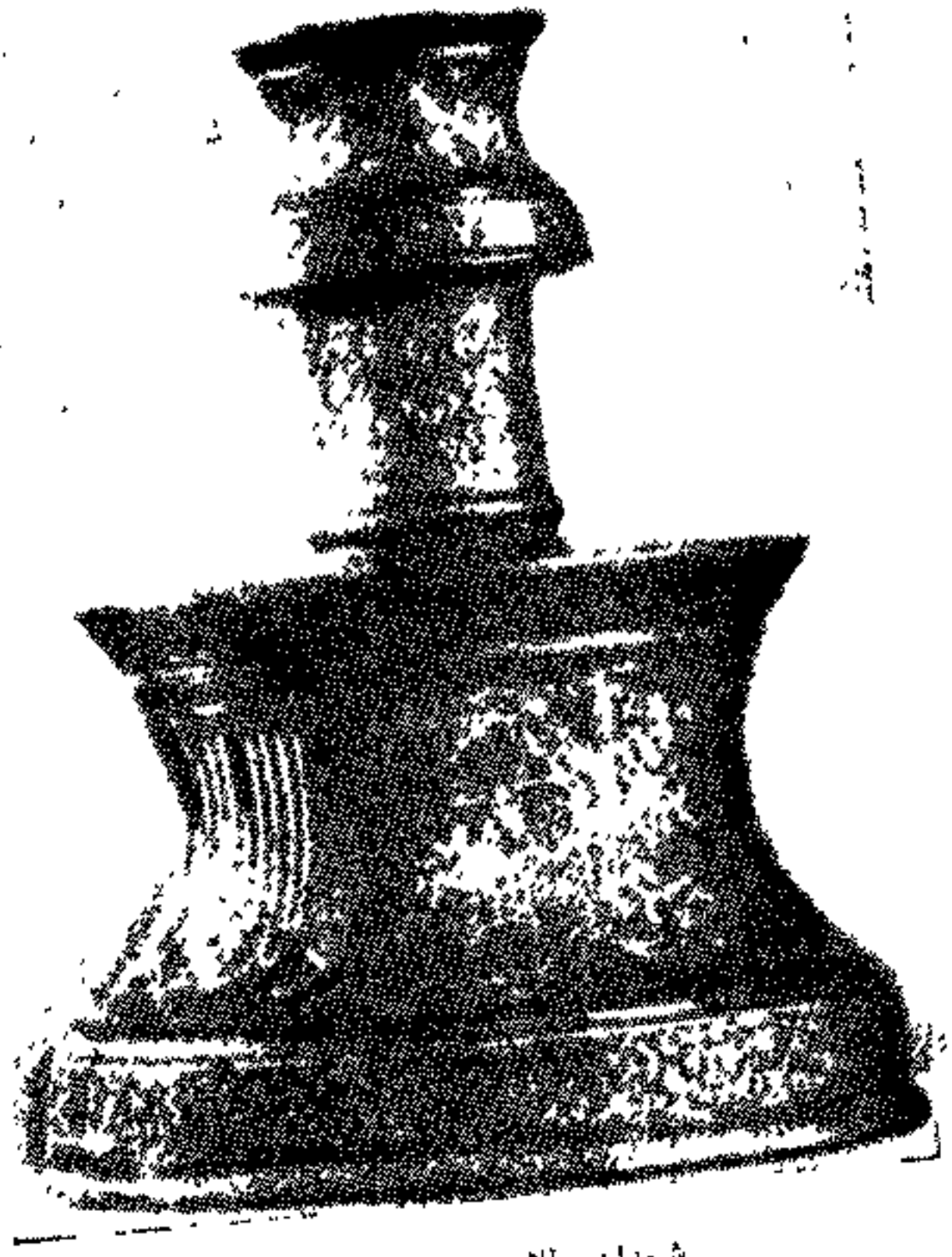
چنانکه مؤلف کتاب جراب الدوله محصول سواد (حومه بغداد) را که بیشتر آن گندم بوده بنقد تسعیر نموده و بهای آنرا مقابل مالیات نقدی قرار داده است. در صورت حساب قدامه و ابن خرداد به (بزودی ملاحظه خواهد شد) بهای اجناس جریب های سواد مقابل مالیات نقدی ذکر شده است و باین وصف آنچه بیغداد میرسیده مبالغی هنگفت بوده است.

باری چنانکه قبلاً نیز گفته شد، مالیاتی که بخزانه بغداد میرسیده بس از وضع کلیه مخارج محلی بوده است و بمصرف هزینه ادارات بغداد و دربار خلافت و عمال و اعضای مرکزی میرسیده است.

ممکن است خوانندگان در صحت صورت منقول ابن خلدون تردید پیدا کنند چه که آن مبالغ با مبالغ مالیاتهای معمول این ایام اختلاف بسیار دارد، بقسمی که

مالیات زمان عباسیان

ده يك آن مبالغ اکنون در خزانه دولت‌های فعلی باقی نمی‌ماند از آنرو دو صورت



شمعدان مصلای مخصوص دربار خلفاء

حساب قدامه و این خرداد به رابرای مقایسه با صورت منقول ابن خلدون ذیلامینگاریم.

## ۲. مالیات دوره عباسیان

در ایام معتصم

مطابق صورت منقول قدامه بن جعفر

در زمان معتصم مالیات نواحی «سواد» بیشتر جو و گندم بوده و قدامه بن جعفر

در صورت حساب خود آنرا بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است.

صورت مالیات نواحی (طاسیج) سواد قسمت غربی

نقد به درهم	جو بمقدار کر	گندم بمقدار کر	اسم ناحیه
۴۰۰/۰۰۰	۶/۴۰۰	۱۱/۸۰۰	انباز و نهر عیسی
۱۵۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۳/۰۰۰	طسوج مسکن
۳۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۲/۰۰۰	« قطر بل
۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۳/۵۰۰	« بادوریا
۱۵۰/۰۰۰	۱/۷۰۰	۱/۷۰۰	بهر سیر
۲۵۰/۰۰۰	۳/۳۰۰	۳/۳۰۰	رومقان
۳۵۰/۰۰۰	۳/۰۰۰	۳/۰۰۰	کوئی
۱۵۰/۰۰۰	۲/۰۰۰	۲/۰۰۰	نهر در قیط
۱۵۰/۰۰۰	۶/۰۰۰	۱/۵۰۰	نهر جوبر
۱۲۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۳/۵۰۰	باروسما و نهر ملک
۲۵۰/۰۰۰	۷/۲۰۰	۱/۴۰۰	زوابی سه گانه
۳۵۰/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۰۰۰	بایل و خطر نیه

اسم ناحیه	گندم بمقدار کر	جو بمقدار کر	نقد به درهم
فلوجه علیا	۵۰۰	۵۰۰	۷۰/۰۰۰
فلوجه سفلی	۲/۰۰۰	۳/۰۰۰	۲۸۰/۰۰۰
طسوج نهرین	۳۰۰	۴۰۰	۴۵/۰۰۰
« عین تمر	۳۰۰	۴۰۰	۴۵/۰۰۰
« جبه و بداءة	۱/۵۰۰	۱/۶۰۰	۱۵۰/۰۰۰
« سورا و برتسیما	۱/۵۰۰	۴/۵۰۰	۲۵۰/۰۰۰
برس بالا و پائین	۵۰۰	۵/۵۰۰	۱۵۰/۰۰۰
فرات با دقلی	۲/۰۰۰	۲/۵۰۰	۶۲/۰۰۰
طسوج سیاحین	۱/۰۰۰	۱/۵۰۰	۱۴۰/۰۰۰
رودستان و هرمزگرد	۵۰۰	۵۰۰	۲۰/۰۰۰
تستر	۲/۲۰۰	۲/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰
ایقاریقین	۱/۲۰۰	۲/۰۰۰	۲۰۴/۸۰۰
کسکر	۳۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰

## مالیات نواحی شرقی سواد

طسوج بزرگسبور	۲۵۰۰	۲/۲۰۰	۳۰۰/۰۰۰
« راذانین	۴۸۰۰	۴/۸۰۰	۱۲۰/۰۰۰
« نهربوق	۲۰۰	۱/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
کلواذی و نهرین	۱۶۰۰	۱/۵۰۰	۳۳۰/۰۰۰
جازرو شهر کهنه	۱۰۰۰	۱/۵۰۰	۲۴۰/۰۰۰

اسم ناحیه	گندم بمقدار کر	جو بمقدار کر	نقد بدرهم
روستاد باد	۱/۰۰۰	۱/۴۰۰	۲۴۶/۰۰۰
سلسل و مهرود	۲/۰۰۰	۱/۵۰۰	۱۵۰/۰۰۰
جلولا و جلنا	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
ذبین	۱/۹۰۰	۱/۳۰۰	۴۰/۰۰۰
دسکره	۱/۸۰۰	۱/۴۰۰	۶۰/۰۰۰
بند نبجین	۶۰۰	۵۰۰	۳۵/۰۰۰
طسوج برازرو	۳/۰۰۰	۵/۱۰۰	۱۲۰/۰۰۰
نهران بالا	۱/۷۰۰	۱/۸۰۰	۳۵۰/۰۰۰
نهران وسط	۱/۰۰۰	۵۰۰	۱۰۰/۰۰۰
بادرایا و باکسایا	۴/۷۰۰	۵/۰۰۰	۳۳۰/۰۰۰
ناحیه دجله	۹۰۰	۴/۰۰۰	۴۳۰/۰۰۰
نهر صله	۱/۰۰۰	۳/۱۲۱	۵۹/۰۰۰
نهران یائین	۱/۷۰۰	۱/۳۰۰	۵۳/۰۰۰
<b>جمع کل هر دو ناحیه</b>	<b>۱۱۵/۶۰۰</b>	<b>۱۲۴/۹۲۱</b>	<b>۸/۸۲۱/۸۰۰</b>

بنابر این جمع کل مالیات نواحی شرقی و غربی بقراردی است

۱- گندم ۱۱۵/۶۰۰ کر

۲- جو ۱۲۳/۹۲۱ کر

۳- وجه ۸/۸۲۱/۸۰۰ درهم

ولی جمع این ارقام با جمع ارقامی که بطور تفصیل در صورت حساب قدامه

ذکر شده اختلاف دارد چه که قدامه در آن صورت تفصیل مجموع ارقام مالیات سواد را چنین مینویسد :

۱- گندم ۱۷۷/۲۰۰ کر .

۲- جو ۹۹/۷۲۱ کر .

۳- نقد ۸/۰۹۵/۸۰۰ درهم (باستثنای مالیات بصره) .

و شاید این اختلاف در نتیجه اشتباه کاتب واقع شده و در هر صورت برای اصل موضوع که مورد نظر ماست این اختلاف چندان اهمیت ندارد .

اینک گندم و جو را مطابق میزان جعفری پول نقد تبدیل میکنیم .

جعفر دو کر گندم و جو را شصت دینار و هر دینار را پانزده درهم تسعیر کرده و برای

کلیه غلات را ۱۰۰/۳۶۱/۸۵۰ درهم دانسته و مالیات بصره را شش میلیون درهم

و بنا بر آن مجموع مالیات سواد و بصره چنین میشود :

۱- مالیات نقد ۸/۰۹۰/۸۰۰ درهم .

۲- برای جو و گندم ۱۰۰/۳۶۱/۸۵۰ درهم .

۳- مالیات بصره ۶/۰۰۰/۰۰۰

جمع کل ۱۱۴/۴۵۷/۶۵۰ دره

صورت مالیات ممالک شرقی بروایت قدامه بضمیمه جمع مالیات سواد

نام مملکت	مبلغ نقد بدرهم
سواد	۱۱۴/۴۵۷/۶۵۰
اهواز	۲۳/۰۰۰/۰۰
فارس	۲۴/۰۰۰/۰۰



مبلغ نقد بدرهم	نام مملکت
۶/۰۰۰/۰۰۰	کرمان
۱/۰۰۰/۰۰۰	مکران
۱۰/۵۰۰/۰۰۰	اصفهان
۱/۰۰۰/۰۰۰	سیستان
۳۷/۰۰۰/۰۰۰	خراسان
۹۰۰/۰۰۰	حلوان
۵/۰۰۰/۰۰۰	ماه کوفه
۴/۸۰۰/۰۰۰	ماه بصره
۱/۷۰۰/۰۰۰	همدان
۱/۲۰۰/۰۰۰	ماسبدان
۱/۸۰۰/۰۰۰	مهرگان قذق
۲/۸۰۰/۰۰۰	ایقارین
۳/۰۰۰/۰۰۰	قم و کاشان
۴/۵۰۰/۰۰۰	آذربایجان
۲۰/۰۸۰/۰۰۰	ری و دماوند
۱/۸۲۸/۰۰۰	قزوین و زنجان و ابهر
۱/۱۵۰/۰۰۰	قوس
۴/۰۰۰/۰۰۰	گرگان
۴/۲۸۰/۷۰۰	طبرستان
۹۰۰/۰۰۰	تکریت و تیرهان
۲/۷۵۰/۰۰۰	شهر زور و صامغان
۶/۳۰۰/۰۰۰	موصل و توابع

مبلغ نقد بدرهم	نام مملکت
۳/۲۰۰/۰۰۰	قردی و بذیدی
۹/۶۲۵/۰۰۰	دیار ربیعہ
۴/۳۰۰/۰۰۰	ارزن و میافارقین
۱۰۰/۰۰۰	طرون
۲/۰۰۰/۰۰۰	آمد
۶/۰۰۰/۰۰۰	دیار مضر
۲/۹۰۰/۰۰۰	نواحی فرات
جمع کل مالیات ممالک شرقی	۳۱۱/۵۸۱/۳۵۰ درہم

## صورت مالیات ممالک غربی بدینار

مبلغ بدینار	نام مملکت
۳۶۰/۰۰۰	قنسرین و عاصمہا
۲۱۸/۰۰۰	اردو گاہ حمص
۱۱۰/۰۰۰	اردو گاہ دمشق
۱۰۶/۰۰۰	اردو گاہ اردن
۲۹۵/۰۰۰	اردو گاہ فلسطین
۲/۵۰۰/۰۰۰	مصر و اسکندریہ
۱۰۰/۰۰۰	مکہ و مدینہ (حرمین)
۶۰۰/۰۰۰	یمن
۵۱۰/۰۰۰	یمامہ و بحرین
۳۰۰/۰۰۰	عمان
جمع کل	۵/۱۰۴/۱ دینار

و اگر دینارهای فوق را از قرار هر دیناری پانزده درهم بدرهم تبدیل کنیم ، رقم زیر بدست میآید ، ۷۶/۷۱۰/۰۰۰ درهم و چون این مبلغ را به مجموع مالیات ممالک شرقی اضافه کنیم جمع کل ، ۳۸۸/۲۹۱/۳۵۰ درهم میشود .

### در اواسط قرن سوم هجری بروایت ابن خردادبه صورت

### ۴ - مالیات دولت عباسی

حساب قدامه و ابن خردادبه در قسمت مالیات سواد یکسان میباشد ، جز اینکه ابن خردادبه شماره خرمنها را نیز ذکر نموده که مورد احتیاج ما نیست و فقط گندم و جو و تقدینه آنرا باختصار مینگاریم که از این قرار میباشد :

۱ - گندم ۶۳/۴۰۰ کر

۲ - جو ۹۱/۸۵۰ کر

۳ - نقد ۸/۴۵۶/۸۴۰ درهم

و اگر دو کر گندم و جو را بشصت دینار و هر دیناری را مانند سابق پانزده درهم تسعیر کنیم قیمت گندم و جو ۶۹/۸۶۲/۵۰۰ درهم میشود و چون این مبلغ را بمالیات نقدی اضافه نمائیم رقم زیر :

۷۸/۳۱۹/۳۴۰ درهم بدست میآید .

سپس ابن خردادبه مالیات خراسان و توابع آنرا ذکر میکند و چنانکه میدانیم از سال ۳۱۲ مالیات خراسان بطور مقاطعه بخاندان طاهریان واگذار شد و در هر حال مالیات خراسان و توابع مطابق صورت ابن خردادبه چنین است :

۱ - نقد ۴۴/۸۴۶/۰۰۰ درهم

۲ - اسب سواری ۱۳ رأس

۳ - گوسفند ۲/۰۰۰ رأس

۴ - برده غز ، به قیمت ششصد هزار درهم ۲/۰۰۰

۵ - کرباس کندچی ۱/۱۸۷ قواره

۶ - آهن تخته ۱/۳۰۰ قطعه دوتائی

در آن ایام پنجاه شهرستان مانند ری، قومس، گرگان، کرمان، سیستان، نیشابور، طخارستان، طالقان، ماوراءالنهر، بخارا، سند و غیره جزء خراسان بوده است و طاهریان در آن ممالک مستقلاً حکمرانی داشته و مالیاتی بطور مقاطعه به بغداد میفرستادند در هر حال برای اطلاع از صورت ریز مالیات سواد و توابع خراسان بکتاب المسالك و الممالك ابن خردادبه مراجعه شود.

اینک بطور اختصار صورت مالیات ممالك دیگر را بروایت ابن خردادبه ذکر

میکنیم

### ممالك مشرق

مالیات نقد بدرهم	نام
۷۸/۳۱۹/۳۴۰	سواد
۴۴/۸۴۶/۰۰۰	خراسان و توابع
۲/۷۵۰/۰۰۰	شهرزور و صامغان
۳/۵۰۰/۰۰۰	ماسبذان و مهرگان قدق
۲/۰۰۰/۰۰۰	قم
۳۰/۰۰۰/۰۰۰	اهواز
۳۳/۰۰۰/۰۰۰	فارس
۱/۲۰۰/۰۰۰	قزوین
۳/۸۰۰/۰۰۰	ماه کوفه
۷/۰۰۰/۰۰۰	اصفهان
۵/۶۰۰/۰۰۰	دیارمضر

مالیات نقد بدرهم	نام
۴/۰۰۰/۰۰۰	موصل
۷/۷۰۰/۰۰۰	دیار ربیعہ
۴/۰۰۰/۰۰۰	ارمنستان
<b>جمع کل</b>	<b>۴۷۷/۷۱۵/۳۴۰ درہم</b>

بدينار	ممالک مغرب
۴۰۰/۰۰۰	قنسرین و عاصمہا
۳۴۰/۰۰۰	اردو گاہ حمص
۴۰۰/۰۰۰	اردو گاہ دمشق
۳۵۰/۰۰۰	اردو گاہ اردن
۵۰۰/۰۰۰	اردو گاہ فلسطین
۲/۱۸۰/۰۰۰	مصر
۶۰۰/۰۰۰	یمن
<b>جمع کل</b>	<b>۴/۷۷۰/۰۰۰ بدينار</b>

وہر گاہ مجموع دینارہارا از قراردیناری پانزدہ درہم تسعیر کنیم ۷/۱۵۵/۰۰۰ درہم بدست میآید و مجموع کل آن چنین میشود:

۱- مالیات ممالک شرق	۲۲۷/۷۱۵/۳۴۰ درہم
۲- " " " غرب	۷۱/۵۵۰/۰۰۰
<b>جمع کل مالیات ممالک شرق و غرب</b>	<b>۴۹۹/۳۶۵/۳۴۰ درہم</b>

### صورت خلاصه مالیات دوره عباسی

بنا بر آنچه گذشت در تمام دوره خلفای عباسی زمان مأمون از حیث فزونی در آمد مهمتر از هر دوره و پس از مأمون بتدریج در آمد کم شده و در اواسط قرن سوم هجری چنانکه تفصیل آن بیاید این کسری آشکار گشته است و تا پیش از آن چندان محسوس نبوده است و البته موجباتی داشته که بزودی شرح میدهم. اینک صورت خلاصه در آمد عباسی از روی سه فهرستی که نگاشته شد :

- ۱- در زمان مأمون در حدود سالهای ۲۰۴ و ۲۱۰ هجری ۳۹۶/۱۵۵/۰۰۰ درهم.
  - ۲- در زمان معتصم یا کمی پس از او تا سال ۲۲۵ هجری ۳۸۸/۲۹۱/۳۵۰ درهم.
  - ۳- در اواسط قرن سوم هجری ۲۹۹/۲۶۵/۳۴۰ درهم (۱)
- از مقایسه این سه فهرست معلوم میشود که در نیمه اول قرن سوم کسری در آمد شروع شده است، بخصوص اگر مقدار مالیات جنسی فهرست ابن خلدون را نیز در نظر بگیریم که در آن صورت کسری در آمد بسیار میشود.

و در هر حال بطور متوسط سالی ۳۶۰ میلیون درهم عایدی خالص بخزانة (بیت المال) بغداد وارد میشده است. و تا بحال شنیده نشده است که هیچ دولتی (چه قدیم و چه جدید) چنین عایدی خالصی داشته باشد فقط بطور ضمنی چیزهایی راجع بمالیات ایران و روم میخوانیم که اگر قابل قبول بدانیم آن دو دولت نیز درآمدهای سرشاری داشته اند متلاً گیبون در تاریخ روم (۲) مینگارد که مالیات دولت روم سالی چهارصد میلیون درهم بوده و صد و سی و پنج میلیون آنرا از آسیای صغیر میگرفته اند. و بنا بنوشته ابن خردادبه مالیات ایران در زمان انوشیروان بچهارصد و بیست میلیون مثقال و یا هفتصد و بیست میلیون درهم بالغ میشده است. و بر فرض که صحت این ارقام را بپذیریم باز هم باید بدانیم که هزینه روم و ایران چه مبالغی بود و است و پس از وضع مخارج که مبالغی برای آن دو دولت باقی مانده است، چه که مالیات بیت المال بغداد چنانکه مکرر یاد آوری شده عایدی خالص پس از وضع مخارج کلیه نقاط کشور (باستثنای خود بغداد) بوده

۱- باید در نظر داشت که تاریخهای فوق تقریبی است چه که مالیات پاره ای از مالک بینه همانطور که در فهرست ابن خلدون ذکر شده در فهرست قدومه و یا ابن خردادبه و یا بالعکس دیده میشود مؤلف

است. و البته چنان در آمدخالصی بسیار زیاد می باشد و تقریباً بی سابقه است. مثلاً دولت عثمانی در زمان سلطان سلیمان قانونی در اواسط قرن دهم هجری به منتهای عظمت خود رسیده بود معذک مالیات آن دولت از هشتصد میلیون دوک یساششصد و پنجاه میلیون فرانک تجاوز نکرد (۱) و این مبلغ خیلی کمتر از در آمد خالص عباسیان می باشد. و از میان دولتهای عصر حاضر هم هیچ دولتی تا آن مقدار در آمدخالص ندارد. و اینک مصادف آن همه در آمد را شرح می دهیم:

هزینه دولتهای عباسی  
از تاریخ نویسان قدیم عرب کسی را نمی شناسیم که راجع  
بیودجه و در آمد و هزینه چیزی مستقلاً نوشته باشد و شاید

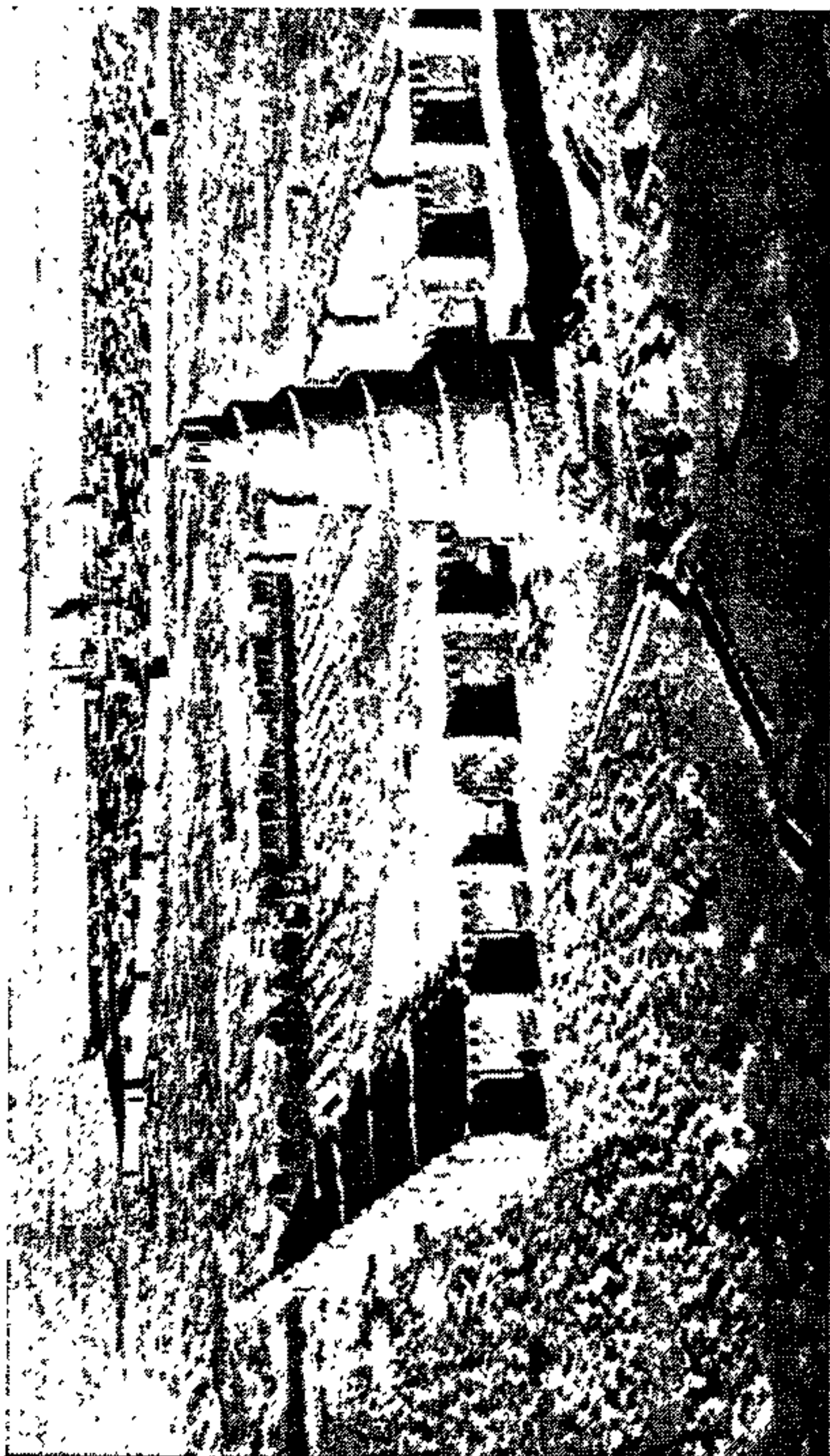
هم نوشته آنان از میان رفته است و اکنون چیزی از آن موضوع در دست نیست، تاریخ نویسان اسلام نیز تحت عنوان (ویامبنای) تمدن اسلام راجع به مقدار دخل و خرج و یا اوضاع علمی و اجتماعی و یا ثروت عمومی مطالب مستقلاً ننوشته اند مگر اینکه در ضمن شرح وقایع رزمی و یا بزمی اشاره ای بآن موضوعات کرده باشند، فقط ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود ضمن صحبت از تجمل و جلال دستگاه دولت عباسی صورت در آمد آن دولت را ذکر کرده است قدامه و ابن خردادبه هم ضمن گفتگو از (برید) آن دو صورت را نقل نموده اند و پاره ای از جغرافی نویسان نیز صورت هائی از مالیات و در آمد دولتهای نوشته اند ولی هیچ یک از آنان صورت هزینه آن ایام را بتفصیل ذکر نکرده اند. فقط از روی قیاس میتوان گفت که از مالیاتهای رسیده به بغداد ابتداء حقوق مأمورین لشکری و کشوری و قضاة و جیره خواران پایتخت داده میشده. همینقسم حقوق مأمورینی که بامر خلیفه بغداد در خارج پایتخت مثل مأمورین برید انجام وظیفه میکردند مقرری پرداخت میشد (۲) و آنچه باقی میماند تحت نظر خلیفه در بیت المال نگاهداری میشد (۳)

و در هر حال میزان قطعی این هزینه ها معین نیست چه که با تغییر خلیفه و تغییر اوضاع میزان و مبلغ پرداختی تغییر می کرده است و تاکنون مدرکی راجع بآن

۱- Porter's Conse. Hest. of Turkey Ms.

۲- ابن خردادبه ص ۱۵۳

۳- ماوردی ص ۱۷۹



منظره سامره و کنبد وگا حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری وس ب حضرت فاطمه  
 ع - نمای هوایی جامع فدیعی سامره و کلدسته آن که ؛ علویه مشهور ا  
 تکیس نمایان مینا



نوع پرداخت ها بدست نیامده ، فقط باهمت فون کسر صورتی از مخسارج سالهای اول دوره معتضد عباسی (۲۷۹ هجری) یافتیم که ذیلا مینگاریم: این صورت حساب بالغ بر دو میلیون و نیم دینار است که در ظرف سال از قرار روزی هفت هزار دینار بمأمورین لشکری و کشوری پرداخت میشده و احمد بن محمد طائی مأمور پرداخت آنروز ، تأدیه آنرا از خزانه (بیت المال) بغداد تعهد کرده است و سمت و شغل مأمورین و میزان مقرری آنان در صورت ذکر شده است (۱)

## ت عباسی

در ایام المعتضد بالله سال ۲۷۹ هجری بطور روزانه

دینار در روز

مقرری روزانه کشیک چیان و نظایر آنان مانند دربانان سفیدپوست زمردم پای تخت و یابصره و سپاهیان مأمور دربار و امثال آنان و دربانان سیاه پوست و غلامان ناصر.	۱/۰۰۰
مقرری غلامان آزاد کرده ناصر معروف بغلامان خاصه	۱/۰۰۰
مقرری سواران ممتاز مشهور باحرار	۱/۵۰۰
مقرری سپاهیان برگزیده که بدلیری و رشادت شهرت داشتند.	۶۰۰
مقرری سوارانی که از زمان ناصر باقی مانده بودند.	۵۰۰
مقرری هفده دسته از ملازمان مأمور در خانه و نامه رسانان و قاریان و خبر گزاران و اذان گویان و ستاره شناسان و فنجامیان و علمداران و شیپورچیان و دلکان و طبالان و مانند آنان.	۱۱
مقرری پلیس های بغداد و غیره.	۵۰
بهای خوراک بردگان و غیره.	۳۰۰
هزینه آشپزخانه خصوصی و عمومی و تانواخانه و آشپزخانه حرم و گماشتگان و تانواخانه سیاهان.	۱۲۲ $\frac{۱}{۴}$
بهای اشیاء و لوازم ابدارخانه عمومی و خصوصی و جامه خانه و عطریات و حوایج وضو و اسلحه خانه و غیره.	
مقرری سقاهای اطراف قصر و انبارها و تانواخانه ها و خانه های ملازمان.	

## دینار در روز

مقرری غلام پیشخدمت‌هایی که فروتر از احرار و بزرگان میباشند  
و مقرری ملازمان بازنشسته.

مقرری ملازمان آبدارخانه عمومی و صندوق خانه و صنعتگران  
مانند زرگران، خیاطان، تکمه‌بندان، کفشگران، و آهنگران،  
ورفوگران و پوستدوزان و نواردوزان و غلاف‌سازان و صحافان و عطاران  
و جارچیان و نجاران و خراطان و سیدبافان و امثال آنان.  
مقرری اهل حرم.

بهای علیق چهارپایان پنج اسطبل

مصرف خرید چهارپایان مانند اسب و شتر و غیره.

۶۶  $\frac{۲}{۴}$

مقرری آشپزان.

۳۰

مقرری فراشان، دوشندگان شیر، انبارداران فرش و باربران.

۳۰

مقرری رکابداران، بسک‌کشان، زین‌داران و خدمتگزاران

چهارپایان (برید).

مقرری ندیمان و مغنیان و امثال آنان.

۴۴

مقرری دسته‌ای از پزشکان و شاگردانشان.

۲۳  $\frac{۱}{۴}$

مقرری شکارچیان مانند بازداران، یوزبانان، توله‌داران،

و مانند آنان.

مقرری ناوچیان و ناویان جنگی و کشتی‌های آتش انداز و کشتی-

های دیگر.

۱۶  $\frac{۲}{۴}$

مقرری بهای نفت، نفت‌اندازان و مشعل‌چیان و اجرت مشعل‌چیان.

۴

مقرری پول صدقه که همه‌روزه هنگام نماز باامداد در پارچه سیاه

آماده میکردند.

۱۵

مستمری فرزندان متوکل.

۳۳  $\frac{۱}{۴}$

مستمری فرزندان واثق.

۱۶  $\frac{۲}{۴}$

دینار در روز

مستمری فرزندان ناصر	۱۶ $\frac{۱}{۴}$
مقرری سران بنی هاشم و صاحبان رتبه و خطیبان مسجدها.	
« عموم افراد خاندان هاشمی (طالبی - عباسی).	۳۳ $\frac{۱}{۴}$
« عیدالله بن سلیمان باضافه مابقی پانصد دینار مستمری فرزندش قاسم - در هر ماه.	۳۳ $\frac{۱}{۴}$
« ۱ رؤسای نویسندگان و دفترداران و دربانان و مدیران و معاونها و سایر کارمندان دفتری و بهای دفترها و کاغذهای آنان بااستثنای نویسندگان دفاتر مقرری و عطایا و جانشینان آنان در مجالس پرداخت مقرری و معاونان آنها و خزانه داران، زیرا این جماعت اخیر مقرری خود را از محل مقرریهای قطع شده و غرامت و جریمه سوارانیکه بچارپایان خود رسیدگی نمیکنند باید دریافت دارند.	۱۵۶
مستمری اسحق بن ابراهیم قاضی و جانشین او یوسف بن یعقوب پدر ابو عمرو و فرزندان آن دو و ۱۰ فقیه دیگر.	۱۶ $\frac{۲}{۴}$
مستمری اذان گویان مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول و مکبران و اقامه گویان و پیش نمازان و بهای روغن چراغ های مساجد و حصیر و بوریا و آب و بهای پرده برای تابستان و تجیر و ظروف سفالین و اداره مساجد در ماه رمضان.	۳ $\frac{۱}{۴}$
هزینه زندان و خوراک زندانیان.	۵۰ $\frac{۳}{۴}$
هزینه دوپل و بهای کشتیهای آن که عوض و بدل میشود و مزد یاسبانان دو جسر	
هزینه بیمارستان صاعدی (غیر از آن در آن ایام بیمارستانی نبوده است) و مقرری پزشکان و پرستاران و چشم پزشکان و نگاهبانان دیوانه ها و دربانها و مرده کشته ها و غیره بضمیمه بهای خوراک و دارو و شربت بیماران.	۱۵

جمع کل ۶/۹۷۴ دینار

بطوریکه ملاحظه میشود جمع این ارقام قریب هفت هزار دینار بوده که روزانه در ایام خلافت معتضد (۲۷۹) مصرف میشده و جمع سالانه آن دو میلیون و نیم (دینار) میباشد. حالا اگر هزینه ایام خلافت مأمون و معتصم را نیز بهمین مبلغ فرض کنیم بعقیده ما هزینه آن کمتر بوده چه در اواخر قرن سوم شماره بردگان و زرخریدان بیش از اوایل قرن سوم بوده است، و اگر دینار آنرا بحد اکثر بیست درهم تبدیل نمائیم جمع میزان سالانه آن پنجاه میلیون درهم میشود و هر گاه آنرا از معدل مالیات سالانه (سالی ۳۶۰ میلیون درهم) کسر کنیم بقیه ۳۱۰ میلیون درهم اضافه بر خرج باقی میماند و یا دست کم سیصد میلیون درهم خالص عاید خزانه میشده است و دولتی که هر ساله چنین پس انداز بزرگی داشته با ثروت ترین دولتهای روی زمین میباشد، چه که تا کنون جز آنچه راجع بایران و روم گفته شد، نشنیده ایم که هیچ دولتی نصف این مبلغ و یا چهار یک و یا ده یک آنرا پس انداز داشته باشد. و علاوه بر این هزینه مزبور قسمت کمی از مجموع مالیات دولت عباسی بوده چه که این مقدار معادل اموالی است که احمد بن محمد طائی از بابت مالیات نواحی ذیل تعهد کرده بود: زمینهای آب خور دجله - فرات - جوفی - واسط - کسکر - جریب های نهر بوق - ذی بین - کلوازی - نهرین - ذانین - راه خراسان.

و تمام این نواحی از کشور عراق است و خود جزئی از امپراطوری بزرگ اسلامی شمرده میشود. چنانکه از مراجعه بصورت حساب قدامه این موضوع بخوبی روشن میگردد. در هر حال شکی نیست که هزینه دولت عباسی از بابت یک قسمت از مالیاتهای ممالک اسلامی تأمین میشده است.

برای روشن شدن میزان ثروت آنروز با تمدن فعلی باید آن  
**تطبیق و مقایسه آن**  
 اموال را بپول امروز تبدیل کنیم. از آنرو میگوئیم که یک دینار  
**ثروت با پول امروز**  
 در نیمه اول قرن سوم هجری پانزده درهم خرد میشده و ثروتی  
 که سالانه بطور خالص بخزانه (بیت المال) میرسیده بیست میلیون دینار بوده است

و بحساب امروز بهای هر لیره (جینه مصری ۱) دودینار است و از آن روز هر ساله ده میلیون لیره (جینه مصری) پس انداز خالص خلفای عباسی میشده است .

نکته دیگر اینکه ارزش پول بر حسب اختلاف کالائی که با آن مبادله میشود و یا مردمی که بوسیله آن استخدام میشوند تفاوت مییابد. مثلاً فرض کنیم در یک کشور، اردب (۲) گندم پنجاه فروش (۳) و در کشور دیگر صد فروش میباشد البته در کشور اول ارزش هزار لیره با اندازه دو هزار لیره در کشور دوم است .

همینقسم در یک کشور ارزش پول باختلاف زمان تغییر میکند . مثلاً کسانی که در اوایل قرن گذشته چند هزار فروش دارائی داشتند از توانگران (مصر) بشمار میآمدند، چه که بهای همه چیز ارزان بود ولی رفته رفته جمعیت زیاد شد و تجملات زندگی افزون گشت و موجبات دیگر نیز پیش آمد که در نتیجه طبقه متوسط همان چند هزار فروش سابق را فعلاً در یک ماه مصرف میکنند و چنانکه می بینیم بهای زرد در کشور مصر در این سالهای اخیر تفاوت بسیار کرده ، حکومت مصر باید متوجه این موضوع باشد زیرا که بهای طلا در حقوق کارمندان دولت تأثیر کلی دارد و بهای خوراکی و کرایه خانه قریب یک ربع ازینج شش سال پیش زیاد تر شده است . مثلاً کارمندی که در آن موقع ماهی هزار فروش خرج زندگی خود و خانواده اش میکرد اکتون بزحمت با ماهی هزار و دو بیست و پنجاه یا ماهی هزار و سیصد فروش زندگی میکند . در صورتی که حقوق او همان بوده که آن موقع میگرفته است و این تفاوت را ناشی از تنزل بهای طلا میدانند. و از آن رو لازم است که بمقدار گرانی نرخ کالاها حقوق کارمندان نیز اضافه شود .

حال برای اینکه از نظر ارزش پول مقدار ثروت دوره عباسی با ثروت امروز تطبیق شود باید بهای کالاهای آن روز و دستمزد کارگران آن روز را با بهای کالاهای امروز و دستمزد مزدوران امروز تطبیق و مقایسه کنیم. اینک میگوئیم که در صورت حساب

۱- جینه مصری برابر با پنج دلار است (تقریباً) . مترجم

۲- یک اردب گندم فعلاً مساوی با ۱۵۰ کیلوگندم میباشد . مترجم

۳- صد فروش یک جینه مصری است . مترجم

قدامه يك كر، جوو گندم مخلوط آن زمان سی دینار میارزیده است و کر عراقی مساوی چهل اردب است و بهای يك اردب گندم وجود در عصر حاضر (موقع تألیف کتاب سال ۱۹۰۲ میلادی در مصر) تخمیناً یک لیره است و چهل اردب هشتاد لیره یعنی سه برابر قیمت آن ایام ارزش دارد.

اما مزد بنادر زمان منصور یک قیراط نقره و روز کاری یعنی کارگر روزانه دو حبه مزد داشته است. و در عراق آن روز قیراط  $\frac{1}{4}$  دینار و حبه  $\frac{1}{4}$  آن بوده است و از آن قرار مزد بنا با پول امر و مصر سه فروش و مزد کارگر (عمله) يك فروش میشد که تقریباً يك سوم یا يك چهارم دستمزد کنونی میباشد و از این مقایسه و تحقیق چنان بر میآید که ارزش پول در عصر عباسی سه برابر بوده و با آن حساب ده میلیون دینار پس انداز آنان، سی میلیون دینار ارزش داشته است. و این مبلغ هنگامت در تحت اختیار خلیفه بوده که هر نوع صلاح خود و یا مملکت را میدید آن پول را مصرف میکرد.

با این وصف اگر شنیده شود که خلیفه برای فلان قصیده صد هزار درهم یا ده هزار دینار جایزه داده نباید موجب تعجب گردد، چون در عصر حاضر بچشم خود میبینیم فلان توانگر هم برای خرید يك تابلوی نقاشی صد هزار لیره و برای يك قطعه آثار عتیقه نیم میلیون، یا يك میلیون لیره پول میپردازد، زیرا این نوع بذل و بخششها و خرید و فروشها نتیجه مستقیم زیادی ثروت است. بهر حال با اینکه منابع درآمد دولت های فعلی به مراتب زیاد تر از منابع دولت عباسی میباشد معذک کمتر دولتی در حال حاضر سالی يك میلیون لیره پس از انداز پیدا میکند. مثلاً درآمد دولتهای بریتانیای کبیر که از دولتهای بزرگ دنیا محسوب میشود و بما (مصر) از دیگران نزدیکتر است در سال ۱۹۰۰ میلادی قریب صد و بیست میلیون لیره میشده و پاره ای از ارقام در آمد آن اقلام ذیل است.

- ۱- رسومات مشروبات الکلی و چای و دخانیات ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ لیره
- ۲- بهای پروانه فروش این کالاها « ۳۲/۰۰۰/۰۰۰
- ۳- مالیات بر درآمد « ۱۸/۵۰۰/۰۰۰

۱۳/۰۰۰/۰۰۰ لیره

۴- تمبريست

۳/۰۰۰/۰۰۰

۵- بهای تلگراف

۸/۵۰۰/۰۰۰

۶- بهای تمبر اسناد

**جمع کل ۹۷/۰۰۰/۰۰۰ لیره**

بقسمی که ملاحظه میشود قریب چهار پنجم این درآمد در زمان عباسیان وجود نداشته است، و معذک در آمد آنان بآن مبلغ عظیم میرسیده است.

دولت‌های امروز چنانکه می‌بینیم خرجشان بدخلشان نمی‌رسد و بالاینکه دخل و خرجشان برابر می‌گردد و کمتر دولتی است که پس انداز مختصری (در حدود سالی یک میلیون لیره و کمتر) پیدا کنند بلکه اگر پیش آمد های غیر منتظره‌ای روی دهد خزانه دولتهای بزرگ امروز از پرداخت مخارج آن پیش آمدها عاجز میمانند، مثلاً در سالهای اخیر دولت بریتانیا بواسطه جنگ افریقای جنوبی دچار بحران مالی گشت و بنا بقول مشهور مجبور بوام گرفتن شد. پس فرق میان بودجه دولتهای فعلی و بودجه دولتهای عباسی چیست؟ برای پاسخ باین پرسش باید دانست که چگونه و از چه راه‌هایی این ثروت در زمان عباسیان جمع میشده است.

بدیهی است که پیدایش این ثروت در اثر کمی هزینه و فراوانی درآمد است و آنچه در خزانه (بیت المال) میمانده دخل اضافه بر خرج بوده است. بنابراین ابتداء از منابع عایدات

**موجبات ثروت  
عباسیان**

آن زمان و سپس از اقلام هزینه صحبت میداریم و اختلاف درآمد و هزینه را شرح میدهیم و علل زیادی دخل و کمی خرج را بیان میکنیم.

در اوایل هجرت منابع درآمد منحصر بزکوة بود. سپس در

**منابع درآمد**

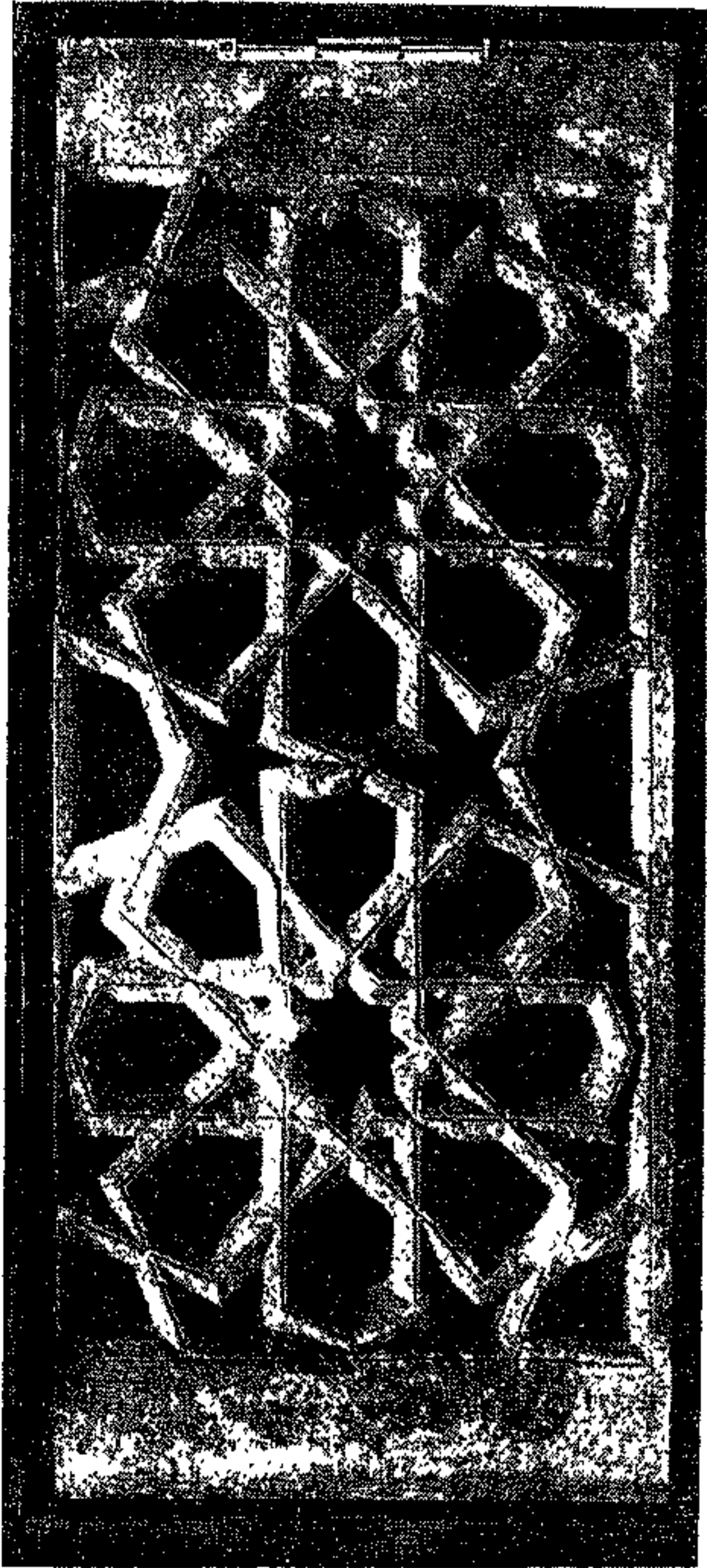
واقعه بدر کبری موضوع غنائم نیز بر آن افزوده شد. پیغمبر اکرم

باءدهای از یهود و نصاری مقیم عربستان صلح کرده از آنان جزیه میگرفت از آنرو هنگام وفات حضرت رسول منابع درآمد مسلمانان زکوة و غنائم و جزیه بود.

بعد از فتح شام و مصر و عراق خراج و ده يك زمین و گمرک تجارت نیز اضافه

گشت و تا پایان دوره خلفای راشدین بهمین قرار رفتار میشد. در زمان بنی امیه علاوه





ع- پنجره سنگی مسجد جامع موصل قرن ششم هجری